

مشروطه سلطنتی یا جمهوری



در همه کشورهای جهان، شهروندانی هستند که از جمهوری دفاع می‌کنند و کسانی که طرفدار مشروطه سلطنتی‌اند. این دو گروه دشمن یکدیگر نیستند، بلکه رقیب سیاسی محسوب می‌شوند. در هیچ‌یک از کشورهای مشروطه سلطنتی اروپا، جمهوری‌خواهی غیرقانونی نیست و در هیچ‌یک از جمهوری‌های دموکراتیک، سلطنت‌طلبی جرم به شمار نمی‌رود.

شکل حکومت ایران پس از سرنگونی جمهوری اسلامی را هیچ فرد یا گروهی حق ندارد و نمی‌تواند از پیش تعیین کند. تنها مردم ایران هستند که در یک همه‌پرسی آزاد در ایران آینده، اجازه، اختیار و قدرت تعیین شکل نظام را خواهند داشت.

نکته اصلی این است که محتوای نظام سیاسی مهم‌تر از شکل آن (جمهوری یا مشروطه سلطنتی) است. امروز می‌بینیم که ایران و روسیه جمهوری‌اند، اما الگوهای غیر دموکراتیک دارند؛ در حالی که سوئد و بریتانیا مشروطه سلطنتی هستند و دموکراسی‌های پایدار به شمار می‌روند.

با الهام از تجربه تاریخی، امروز اکثریت جمهوری‌خواهان و مشروطه‌خواهان ایرانی بر اصول مشترکی پای می‌فشارند:

- دموکراسی پارلمان‌محور
- پایبندی به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های پیوست آن
- سکولاریسم و جدایی دین از دولت
- عدم تمرکز و توزیع قدرت
- رواداری و احترام به تکثرگرایی
- پایبندی به قوانین بین‌المللی و تلاش برای صلح جهانی

ایران خانه‌ی مشترک همه ایرانیان است. هیچ فرد یا جریانی نباید حذف شود. اگر اکثریت مردم به نظام مشروطه سلطنتی رأی دهند، جمهوری‌خواهان آن را خواهند پذیرفت، و اگر به جمهوری رأی داده شود، مشروطه‌خواهان خواهند پذیرفت. اما در هر دو حالت، حقوق اقلیت باید محفوظ بماند. دموکراسی فقط حکومت اکثریت نیست؛ بلکه هم‌زمان حفظ حقوق اقلیت و به رسمیت شناختن حق مبارزه اقلیت برای تبدیل شدن به اکثریت است.

دشمن مشترک جمهوری‌خواهان و مشروطه‌خواهان – و در واقع همه مردم ایران – حکومت اسلامی است؛ حکومتی که سرچشمه‌ی همه‌ی ابربحران‌های کنونی کشور است. این نظام نه تنها یک دیکتاتوری، بلکه نظامی فاشیستی است که برای بقای خود از هیچ جنایتی پرهیز ندارد.

این حکومت تنها با همبستگی ملی فراگیر همه نیروهای خواهان گذار - چپ، راست و میانه - سرنگون خواهد شد. مسئولیت تاریخی بزرگی بر دوش مبارزان ایران است و هر توجیهی برای عدم همکاری و عدم مشارکت در ایجاد نهادهایی که برای گذار، سرنگونی و مدیریت دوران پس از جمهوری اسلامی لازم‌اند، عملاً در خدمت بقای این رژیم فاشیستی خواهد بود.

آیین مبارزه جبهه‌ای

جبهه سیاسی یعنی توافق بر حداقل‌ها برای دستیابی به همکاری حداکثری. اعضای یک جبهه نباید انتظار داشته باشند که دیگران مواضع سیاسی خود را تغییر دهند یا «توبه» کنند. بلکه باید رواداری، همبستگی و هم‌رزمی با کسانی را که هم‌نظرشان نیستند، فضیلت بدانند.

- اعضای جبهه لزوماً تحلیل یکسانی از رویدادهای تاریخی ندارند و داوری تاریخ را به عهده پژوهشگران می‌گذارند.
- آنها لزوماً برای مشکلات کشور یک راه‌حل مشترک ندارند، اما در حق انتخاب آزاد مردم اشتراک نظر دارند.
- در مبارزه جبهه‌ای، توهین و تحقیر رقیب ممنوع است، زیرا چنین رفتاری جز تقویت تفرقه و خدمت به فاشیسم مذهبی نتیجه‌ای ندارد.
- نقد منصفانه دیدگاه‌ها و عملکردها مجاز و حتی ضروری است، اما باید از مرز توهین، تحقیر، تخریب و تفرقه‌افکنی فاصله بگیرد.

مسئولیت تاریخی اپوزیسیون

اپوزیسیون باید درک کند که در برابر داوری سخت تاریخ قرار دارد. مردم ایران امروز با بحران‌های عظیمی چون خطر جنگ، قحطی، بی‌آبی، بی‌برقی، نابودی محیط زیست، گرانی کمرشکن، بیکاری گسترده، اعدام‌های بی‌وقفه، سرکوب خشن، فشار بر زندانیان و خانواده‌های جان‌باختگان، و آزار مداوم فعالان سیاسی، مدنی و صنفی، جوانان آسیب دیده به دست جمهوری اسلامی، اجحاف و تبعیض زنان، کارگران، کشاورزان، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، رانندگان، و کلا، کارخانه‌داران و تولیدکنندگان، آزار و اذیت دگراندیشان و پیروان مذاهب دیگر و ... دست به گریبان‌اند.

تنها راه پاسخ‌گویی به این رنج‌ها، تشکیل یک جبهه گسترده ضد فاشیسم مذهبی و ایجاد نهادهای سیاسی، تشکیلاتی، تبلیغی و لجستیکی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و مدیریت دوران پس از آن است.

احد قربانی دهناری

۸ شهریور ۱۴۰۴ - ۳۰ اوت ۲۰۲۵